

■ شما چگونه فکر می کنید؟

انسان، شگفت انگیزترین موجود عالم آفرینش است؛ به همین جهت مهندسی انسان و مدیریت آن از ظریف ترین و پیچیده ترین مدیریت ها است. در جامعه ی امروزی که یک جامعه ای سازمانی است، تفکر یک مدیر در عملکرد، از ظرافت و حساسیت خاصی برخوردار است. زیرا در یک سازمان که مدیر در رأس آن قرار دارد، افرادی با استعداد متفاوت، احتیاج به سرویس ها و خدمات آموزشی خاص خود دارند که جز با ذکاوت، تجربه و بصیرت روشن نمی توان جوابگوی آن گروه بود. به همین دلیل مدیریت را هنر می نامند. یکی از وظایف اصلی مدیران، شناخت و برانگیختن نیروهای مادی و

همسو بودن سبک تفکراتشان با نوع فعالیت و وظایفی که به آنان محول گردیده است، موجب رضایت شغلی، افزایش کارایی و ارتقاء سطح بهره وری آنان در سازمان ها خواهد بود.

■ انواع سبک های تفکر

۱- سبک تفکر قانون گذار

افرادی که دارای تفکر قانون گذار هستند مایلند کارها را به شیوه ای که ترجیح می دهند انجام دهند و خود تصمیم بگیرند که چه کاری را انجام دهند و چگونه آن را به انجام برسانند. افراد قانون گذار دوست دارند قوانین را خودشان وضع کنند و به مسائلی بپردازند که قبلاً طراح و سازمان دهی نشده باشد. نوع مشاغل که این

انسانی، تقویت توان روحی، باروری فکری و هدایت اعضای سیستم در جهت رسیدن به اهداف است. سپس هر گونه عاملی که باعث افزایش کارایی و ارتقای روحیه گردد، می تواند روی وضعیت آموزشی و پرورشی فراگیران تأثیر داشته باشد. درک صحیح سبک های تفکر، می تواند در جهت انتخاب فعالیت های مناسب به انسان کمک کند. چرا که سبک های تفکر عامل مهمی در به کارگیری توانایی ها می باشد. عدم انطباق سبک های تفکر افراد، با وظایفی که به آنان محول گردیده است، می تواند منجر به عدم موفقیت شغلی می شود. در سازمان ها که مدیران مهمترین عامل حیات، رشد، بالندگی و یا نابودی هستند از این امر تبعیت می کنند و

از عهده ی آن برآیند؛ همچون: قاضی، مشاور، بازرس، ارزیاب برنامه، مسئول قراردادو تحلیل گر سیستم و منتقد. وجود افراد قضاوت گر نیز در جامعه و سازمان ها امری ضروری است؛ زیرا بدون آنان فعالیت ها بدون ارزیاب صورت می گیرد و نقاط قوت و ضعف کارها مشخص نخواهد شد.

اصول سبک تفکر

- ۱۵ نکته ی اساسی جهت درک سبک های تفکر عبارتند از:
 - ۱- سبک های تفکر، توانایی نیستند بلکه برای به کارگیری توانائی هستند.
 - ۲- همخوانی بین سبک های تفکر و توانایی ها یک "نیروی افزایشی" ایجاد می کند که بسیار افزون تر از مجموع اجزاء آن است.
 - ۳- انتخاب زندگی مستلزم تناسب بین سبک های تفکر و توانایی هاست.
 - ۴- انسان ها دارای الگوهای متعدد سبک های تفکر هستند.
 - ۵- سبک های تفکر در موقعیت های مختلف متفاوت هستند.
 - ۶- پایداری درسبک های تفکری که افراد ترجیح می دهند، متفاوت هستند.
 - ۷- افراد در انعطاف پذیری نسبت به سبک های تفکر خود متفاوت هستند.
 - ۸- سبک های تفکر دارای ویژگی "جامعه پذیری" می باشند.
 - ۹- سبک های تفکر در طول زندگی تغییر می کنند.
 - ۱۰- سبک های تفکر قابل "اندازه گیری" هستند.
 - ۱۱- سبک های تفکر "قابل آموزش" هستند.
 - ۱۲- ارزش گذاری سبک های تفکر در بعد زمان، نسبی است.
 - ۱۳- ارزش گذاری سبک های تفکر از نظر مکانی امری نسبی است.
 - ۱۴- درستی و نادرستی سبک های تفکر امری نسبی است.
 - ۱۵- تناسب بین سبک تفکر و سطوح مختلف توانایی، امری پیچیده است.



افراد ترجیح می دهند و به آنان فرصت می دهد تا قانون گذار بودن خود را بهتر به نمایش بگذارند؛ مانند: نویسندگی خلاق، پژوهشگری، هنرپیشگی، مجسمه سازی، اختراع، سهام داری، سیاست گذاری و معماری، در این نوع سبک تفکر قرار می گیرند. سبک قانون گذار عملاً به خلاقیت می انجامد زیرا افراد خلاق نه تنها قادر به خلق ایده های بدیع هستند بلکه به آن مبحث علاقه ی بیشتری دارند. به طور کلی افراد قانون گذار تمایل به اختراع و طراحی دارند و کارها را به روش خود انجام می دهند و انجام کارهایی که توسط دیگران برای آنان طراحی و مشخص گردیده آنان را دچار نارضایتی می نماید و در اکثر مواقع این نارضایتی منجر به عدم موفقیت آنان در کارها خواهد شد.

فعالیت هایی که افراد قانون گذار تمایل بیشتری به انجام آن ها دارند، عبارتند از: طراحی پروژه های نوین، ارائه ی مقالات بدیع، ایجاد برنامه های آموزش و شغلی پیشرفته و اختراع چیز های جدید.

۲- سبک تفکر اجرایی

افراد با سبک تفکر اجرایی مایلند از مقررات پیروی کنند و کارهایی را به عهده بگیرند که از قبل طراحی و سازماندهی شده است. آن ها مایلند نقش خود را به جای خلق ساختارهای نو در درون ساختارهای موجود ایفاء نمایند. بعضی از حرفه های مناسب برای افراد مجری، عبارتند از: وکالت، نیروی انتظامی، اجرای طرح های از پیش تعیین شده، تبعیت از طرح های متفاوت و مشاوره ی مدیریتی. این سبک تفکر در محیط های آموزشی و بسیاری از حرفه های دیگر مورد استقبال افراد قرار می گیرد، زیرا افراد مجری، آنچه که به آن ها گفته شده انجام می دهند و غالباً انجام کار با خوش رویی همراه است؛ آن ها دستور ها را دنبال می کنند و خود را بر اساس شیوه ای که سازمان آن را ارزیابی می کند، مورد ارزیابی قرار می دهند. بنابر این یک فرد دارای فکر اجرایی معمولاً به عنوان یک ایده آل شناخته می شود و فشارهایی که از سوی بسیاری از منابع وارد می شود، افراد را به پذیرفتن این نوع سبک تفکر هدایت و ترغیب می نمایند.

۳- سبک تفکر قضاوت گر

افرادی که دارای تفکر قضاوت گر هستند، مایلند قوانین و برنامه ها را ارزیابی کنند. آن ها اموری را ترجیح می دهند، که در آن عقاید و امور موجود، تحلیل و ارزیابی شود. فردی که دارای سبک تفکر قضاوت گر است، کارهایی مانند: ارزیاب برنامه ها، مشاور، قاضی، منتقد، بازرس، مسئول قرارداد و غیره را انجام می دهند. فعالیت های مناسب تفکر قضاوت گر عبارتند از: نوشتن مقالات انتقاد آمیز، ارائه ی عقاید، قضاوت در مورد افراد و کارهای آنان، ارزیابی برنامه ها و مشاغل که آنان می توانند به خوبی